

سوابق "مکتبی"

اعضاء "خوبترین کابینه در طول تاریخ"!

" در سال ۱۳۴۳ ... دستگیر و به حبس آمد
 محکوم گشت . عسکراولادی در زندان بسزا
 انحرافات ایدئولوژیک مبارزه کرد و در سال
 ۱۳۵۶ نحت شراپه روز از زندان بیرون آمد
 و همراه با روحانیونی چون شهید مطهری
 برای ایجاد تشکیلات جدید مبارزه ای اسلامی
 خدمت امام رسید . "

(تاکید از ماست)

شاید بهتر بود می نوشتند بخاطر مبارزه با
 انحرافات ایدئولوژیک از زندان بیرون آمد .
 بهر حال از آنجایی که " شرط روز " چندان در
 خاطرمان نبود ، کمی به حافظه فشار آوریم و به
 خاطر آوردیم که در سال ۱۳۵۶ ، حتی زندانبانان
 سیاسی که دوره محکومیتشان خاتمه یافته بود
 در صورت ندادن تمهید مبنی بر وفاداری به رژیم
 شاهنشاهی و انقلاب سفید " از زندان آزاد نمیشدند
 ند چه رسد به کسانی که محکوم به حبس بودند
 بودند . البته با کمی فشار دیگر بر حافظه ،
 بخاطر آوردیم که آقای عسکر اولادی عضو گروه
 ۶۶ نفری بود که بر رهبری منوچهر سلیمی مقصد
 در شوی تلویزیونی ساواگ ایفای نقش نموده و
 مراتب وفاداری خود به رژیم شاهنشاهی ورهبری
 شاهنشاه آریامهر " را ابراز داشتند و تمهید
 دادند که دیگر بر علیه مبنای رژیم شاهنشاهی
 هیچ غلطی نکنند .

بهر حال ، آقای عسکر اولادی مسلمان ، که خود
 یک بازاری است ، در پستی مناسب حال خود ، یعنی
 وزارت بازرگانی ، قرار گرفته است تا سرمایه دار
 ران بازار و خارج آن نیز دلگرمی پیدا کنند و
 خدای ناکرده دچار این تصور بشوند که رژیم
 جمهوری اسلامی در لفاظیهای خود در مورد حمایت
 از " مستضعفان " جدی است .

بعد از عسکراولادی ، نوبت آقای پرورش ،
 وزیر آموزش و پرورش است . پرورش هم چگون
 سایر افراد فوق الذکر دارای سابقه مشغول
 است . بپتر است به گفته های خود وی در این
 باره توجه کنیم . البته عبارات داخل () را
 ما برای بهتر مفهوم شدن مطالب اضافه کرده ایم .
 وی در " دفاعیات " خود در مجلس (روزنامه ای جمهوری
 اسلامی ۲۷ مرداد ماه ۱۳۶۰) میگوید :

" در سالهای ((مقصود سال)) ۴۳ در انجمن
 فدیهایی بودم ولی چون آن انجمن را
 مطابق با خطوط فکری خود ندیدم حدود
 سالهای ۴۸ و ۴۹ از آن خارج شدم ((باید
 شوجد داشت که آقای پرورش بسیار سریع
 الانتقال است و فقط ۶ سال طول کشیده تا
 بد این امر پی ببرد !)) و در همان
 سالها که در حقیقت با سخنرانیهایی برای
 حریداری یوسف ((!)) تلاش میکردم
 ((ایشان از همان زمان معاطله و داد و

با تشکیل کابینه جدید ، و زوی کار آمدن
 کابینه ای که " امام امت " در باره اش می گوید :
 " در طول تاریخ چنین کابینه ای به این
 صحت و خوبی نداشتم "

لارست نگاهی به سوابق برخی از اعضای
 کابینه بیندازیم تا مفهوم این جمله را بهتر
 درک کنیم و معنی کلمات " خوب " و " صحیح " را
 دست اول ، از زبان خود آیت اللہ خمینی ، و به
 عبارت دیگر " خط امام را از زبان خود امام " ،
 بشنویم .

البته روشن است که " سابقه انقلابی " آقای
 رجایی رئیس جمهور منتخب ولایت فقیه که همراه با
 بیش از ۱۳ میلیون رای مادری توسط وزارت کشور ،
 بکجا از داخل صندوق بیرون آمد . چندان نیازی به
 توضیح ندارد . فقط از آنجایی که وی طبق قانون
 اساسی دستبخت مجلس خبرگان مرتجع باید کابینه
 را تأیید و به مجلس معرفی کند ، و بحت ما نیز
 در اینجا به کابینه مربوط میشود . کابینه است
 بدانیم که وی تنها کسی است که در رژیم شاهنشاهی
 شاه در جمع زندانبان سیاسی در اوین علنا دست
 خود را برای ابراز ندامت بالا برده است .

از رجایی که بگذریم ، نوبت باهنر ، نخست
 وزیر مکتبی و انقلابی " کابینه است که این پست
 را در کنار دبیر کلی حزب فراکبر جمهوری اسلامی
 بدک می کشد . وی نیز دارای سابقه در خصمان
 " انقلابی " است . باهنر که به گفته روزنامه ای
 لیبرالسیون پاریس (۶ اوت ۱۹۸۱ ، ۱۵ مرداد ۶۰)
 " در سالهای ۳۰ رابط اخوان المسلمین ایران
 ((مقصود فدائیان اسلام)) با حزب توده بود
 برخلاف سایرین دارای تجربه در کابینه نیز هست
 چون او در دوران وزارت فرخ روپاربا در کابینه ای
 هویدای خاشن ، معاون وزارت آموزش و پرورش بوده
 و علاوه بر این (با تراکت " شهید مظالموم "
 بهشتی !) در نگارش کتب درسی تعلیمات دینی
 برای وزارت آموزش و پرورش رژیم شاهنشاهی فعال
 بوده است . البته نباید فراموش کرد که از آنها
 که کابینه ای هویدا نیز مکتبی ! ! بوده ، همکاری
 ایشان با آن مسلمان بدون ابراد است و بهر حال
 ایشان " مکتب " را از طریق کتب درسی شاهنشاهی
 تبلیغ و بنا بر این در همان زمان نیز به فعالیت
 انقلابی ! ! مشغول بوده اند .

علاوه بر رئیس جمهور و نخست وزیر مکتبی ،
 وزرای عضو کابینه نیز افرادی " متعهد و مکتبی "
 هستند . فقط باید دید تمهیدشان نسبت به چیست .
 برای نمونه دو تن از وزراء سوپر انقلابی را در
 نظر می گیریم .

حسب اللہ عسکراولادی مسلمان ، وزیر بازر
 گانی یکی از این وزراء است . برای اطلاع از گذشته
 او به گسبان شینیه ۲۴ مرداد رجوع می کنیم تا
 شرح حال وی را مطالعه کنیم . در آنها آمده
 است :

کلمه‌ی ناقابل در دفاع از رژیم شاه که مسالده‌ی نیست))

(روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۶۰/۵/۲۷)

مسلمانان خامدای از اعتقادات "تهید مظلوم" و مسایلی که وی مصلحت میدانسته، و از جمله هندوستانها و ممالک "مصلحتی" وی با امپریالیسم آمریکا، بهتر از دیگران اطلاع دارد. در هر حال، پس از او پرورش در "دفاعیات" (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی تیشتر جالبی انتخاب کرده است) خود میگوید:

"در رابطه با تحمّل در خانه‌ی آبت‌الله خادمی به زندان افتادم که بر عکس همه‌ی زندانها از شکنجه خیری نبود ((حتیما زندان سفارتی بوده است)). برادرانسی که در زندان با من ملاقات میکردند گفتند یکمتری از مسایل مالی ((!!)) و مشکلات دیگر ((!!)) سدی در مبارزه ایجاد کرده که باید بنا بیرون بیاید و من بوسیله‌ی رابطه‌ی مسالده را با تهید دکتر بهشتی در میان گذاشتم و ایشان گفتند که وجود شما در بیرون ضروری است و اگر چیزی لازم است بنویس ... ما ((در)) یافته‌بودیم که در مبارزه تاکتیکیها بکار برده ((می)) شود. بنده نه تنها شرمنده نیستم بلکه هرگاه دریابیم و ضرورت ایجاد کند دست به چنین کاری خواهم زد..."

(روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۶۰/۵/۲۷)

تنها بدنامی پرورش در ایست که رژیم شاهنشاهی طی پیام ۵۷ توده‌ها سقوط کرده و او دیگر نمیتواند این "تاکتیکیها" را به کار برد! دیگر وزرای کابینه‌ی مکتبی نیز از همیس قماش راجایی، با هنر، عسکراولادی مسلمانی و پرورش هستند. دیرینه‌ی روزی که ایشان مانند سایر سردمداران و نوکران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در برابر توده‌های زحمتکش محاکمه و به مجازات برسند.

سند را شروع کرده است)) با مهندس غرضی آشنا شدم ((چه تحفه‌ای!!)) و او مرا به یک گروه سیاسی - نظامی رهبری کرد و یکسال ایشان رابط من بود. در سال ۲۹ رابط عوض شد و یکمتر دیگر حدود ۲ سال رابط من با سازمان بود پس از آنکه از خطوط انحرافی آن آگاه شدم از آن سازمان خارج شدم. حدود سالهای ((مقصد سال)) ۵۶ بود که برادرمان یکی از سرهنگهایی که الان هم هست و یکی دو سال هم به زندان افتاد رابط من با سازمانی مخفی در ارتش بود ((البته چنین سازمانی در داخل ارتش در آن زمان گویا فقط در مخپله‌ی ایشان وجود خارجی دارد)). بعد از مدتی رابط عوض شد و تهید دکتر آبت حدود دو سال رابط من ((با حزب آمریکایی زحمتکشان ملت‌آیر)) به رهبری مظفر بقایی)) بود.

از سایر فعالیتهای "انقلابی" پرورش نامدا بیست که‌وی ۲۵ شهریور ۵۷ یعنی سه‌روز بعد از کشتار ۱۷ شهریور از زندان خطاب به سرلشکر ناچسبی فرماندار نظامی اصفهان نوشته‌است. که در زیر چند سطر از پایان این نامه را نقل میکنیم (خواننده برای مطالعه‌ی متن کامل این نامه، که در شماره‌ی ۵۶ مورخ ۵۹/۱۰/۸ در نشریه‌ی "راه‌کا - رکو" کلیشه شده، به آن نشریه مراجعه کند):

"... اما در مورد افکارم بگذارید چند سطر هم قلم بزنم و آن اینکه من با تمام وجودم به نظام شاهنشاهی که جزو لایشفک قانون اساسی است تارح میزنم و در تمام گفته‌ها و نوشته‌ها هم بر خلاف این اصل و این فکر گامی ننهادم، بهر جهت با ر دیگر وفا داری خود را به مقام منیج سلطنت و قانون اساسی اعلام داشتی و از خداوند منان توفیقات آن مقنن منیج را در راه تحقق آرمانهای حیاتی جامعه‌ی ایران خواستارم..."

تا چندی قبل در محافل دولتی هیچ اشاره‌ی به این نامه نمیشد، ولی در بحث مجلس ارتجاع راجع به وزیران و برادرش پرور از اختلافات بین جناحهای مختلف صد انقلاب این نامه نیز قرائت شد. سپس خامدای، امام جمعی یکدست (که دیگر نمینوا - ند در یکدست کتاب و در دست دیگر تعنگ داشته باشد) در دفاع از پرورش اظهار داشت:

"به آقای پرورش ما همسواره در دوران اختناق به چشم یک عنصر مبارز حتمی ناپذیر ((البته ایشان گویا در هنگام نوشتن نامه به سرلشکر ناچسبی گفته شده بودند)) و مومن نگاه میکردیم... مرحوم دکتر بهشتی مصلحت دانستند که ایشان آن نامه را بنویسند... کسی را که در دوران اختناق رسج کشنده بنا با یک کلمه میخواهد متهم کند" ((بسیک

هموطن!

با توجه به محدودیت امکانات سازمان ما در چاپ وسیع و پخش گسترده‌ی "رهايي"، که خود ناشی از اقدامات سرکوبگرانه‌ی رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم است، کوشش کن که پس از خریدن "رهايي"، در صورتیکه امکان تکثیر آنرا نداری، بهر وسیله‌ی ممکن هرمان را لااقل بدست همسایگان، دوستان و آشنایان خود برسانی و با ابتکار بهم خود را در انجمنی ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی رژیم خمینی - اسلامی، برای درهم شکنی جو اختناق و سرکوب و در مبارزه غلبه نور و استداد ادا کنی.

بیروزی با ما است

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست